

زمینه‌ها و پیامدهای بهره‌گیری از دعانویسی و فال‌گیری

مطالعه نمونه‌ای از زنان تحصیلکرده شهر رشت^۱

سیدحسین سراج‌زاده^۲، فاطمه جواهری^۳، سارا افلاکی^۴

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۰/۱۸، تاریخ تایید: ۹۹/۰۲/۱۰

Doi: 10.22034/jcsc.2020.104632.1865

چکیده

هدف مقاله حاضر، شناسایی شرایط زمینه‌ساز مددجویی از دعانویسی و فال‌گیری در بین زنان تحصیلکرده شهر رشت براساس تجربه زیسته و روایت خودشان است. بدین منظور، از روش کیفی با کاربست نظریه زمینه‌ای در تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده است. اطلاعات لازم به کمک تکنیک مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته و با روش نمونه‌گیری هدفمند جمع‌آوری شد. انتخاب ۱۶ مصاحبه‌شونده تا زمان اشباع نظری، ادامه یافت. پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها، ۶۶ مفهوم و ۱۶ مقوله عمده و ۹ مقوله نهایی استنتاج شد. یافته‌های تحقیق، بیانگر آن است که فرایند جامعه‌پذیری، باور به فرهنگ این‌جهانی و آن‌جهانی، برخی تمایلات روان‌شناختی، مدرن‌شدن سازوکارهای فال‌گیری و دعانویسی و گروه مرجع فرد، به‌عنوان شرایط زمینه‌ساز عمل می‌کنند. در این میان، مقوله فضای کنش و ترفندها و شگردها، دو مقوله تعاملی محسوب می‌شوند. حل مشکلات و برخی آسیب‌های احتمالی، مهم‌ترین پیامد مراجعه به اماکن دعانویسی و فال‌گیری است. در نهایت، مقولات استخراج‌شده در ارتباط با یکدیگر قرار گرفتند و یک مقوله هسته‌ای با عنوان «درماندگی و باورهای فرامادی» متبلور شد.

واژگان کلیدی: دعانویسی، فال‌گیری، نظریه زمینه‌ای، درماندگی و باورهای فرامادی.

۱ این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد است که در دانشگاه خوارزمی انجام شده است.

Serajzadeh@khu.ac.ir

۲ دانشیار گروه جامعه‌شناسی خوارزمی؛ نویسنده مسئول؛

javaherm@yahoo.com

۳ دانشیار گروه جامعه‌شناسی خوارزمی

sa.aflaki68@gmail.com

۴ دانشجوی دکتری دانشگاه شهیدبهشتی

بیان مسئله

بشر از گذشته تاکنون، همواره در تلاش است تا مشکلات، کمبودها و نارسایی‌های زندگی خود را کاهش دهد یا برطرف سازد. در این راستا از انواع روش‌های سازگار با موازین عقلانی - منطقی - که از رسمیت و تأیید عمومی برخوردارند - تا روش‌های غیرمعارف و غیررسمی استفاده می‌کند. شاید به این دلیل است که روش‌های عامیانه درمان بیماری و چاره‌جویی از مشکلات، هنوز سرزنده و فعال هستند.

هرچند شواهد دقیقی برای آگاهی از اینکه مردم امروز تا چه حد از روش‌های عامیانه استفاده می‌کنند، وجود ندارد، اما برخی مشاهدات حاکی از آن است که نسبت بالایی از مردم از این روش‌ها استفاده می‌کنند و حتی برخی افراد تحصیلکرده هم به بهره‌گیری از این قبیل روش‌ها گرایش دارند. حدود ۶۰ درصد از نمونه تحقیق یاهک و کشاورز دیزجین، (۱۳۸۹: ۱) اظهار کرده‌اند که گرایش به دعانویسی، طالع‌بینی و فال‌گیری نسبت به گذشته زیادتر شده است و زنان، بیش از مردان به بهره‌گیری از روش‌های عامیانه تمایل دارند.

نگارندگان این متن، درصدد هستند عوامل زمینه‌ساز در بهره‌گیری از دعانویسی و فال‌گیری، دلالت‌های معنایی و پیامدهای آن را در بین نمونه منتخبی از زنان تحصیلکرده شناسایی و تحلیل کنند. این مطالعه از یک سو، کمک می‌کند زیست‌جهان برخی از زنان کشور و نوع عاملیت آنان در کاهش مشکلات‌شان شناسایی شود. به این ترتیب، فهم ما نسبت به جنبه‌ای از نگرش و گرایش‌های زنان ارتقاء می‌یابد. از سوی دیگر، با اتکاء به این قبیل مطالعات، ماهیت پیچیده پدیده‌های فرهنگی و کارکرد روش‌های بومی چاره‌جویی از مشکلات، بهتر شناخته می‌شود. این پژوهش در شهر رشت انجام شده است.^۱

براساس آخرین سرشماری نفوس و مسکن، تعداد زنان تحصیلکرده این شهر ۷۴۸۰۱ نفر می‌باشد (سرشماری نفوس و مسکن، ۱۳۹۵). علاوه بر این، در این شهر، حداقل ۲۰ مرکز مشاوره و روان‌شناسی زیر نظر انجمن روان‌شناسی ایران مشغول به کار است (انجمن روان‌شناسی ایران، ۱۳۹۷). به این دلیل، این واقعیت جلب توجه می‌کند که با وجود ارتقای سرمایه فرهنگی زنان و وجود مراکز مشاوره و روان‌شناسی در سطح شهر رشت، برخی از آنها همچنان به روش‌های غیرمعارف روی می‌آورند. این مسئله، گویای ماهیت پیچیده پدیده‌های فرهنگی است.

۱ دلیل اصلی انتخاب شهر رشت کنجاوی یکی از نگارندگان مقاله درباره زادگاهش و رفتار زنان آن منطقه است.

البته پژوهش حاضر، اولین اثر در این زمینه نیست؛ از جمله می‌توان به تحقیق جواهری (۱۳۸۱)، امیرخانی (۱۳۸۶) و فاضلی (۱۳۸۶) اشاره کرد. یافته‌های آنان نشان می‌دهد که فال‌گیری و دعانویسی، از جمله رفتارهای فرهنگی مربوط به حوزه خصوصی زندگی است که در بین مردم شهرنشین (حتی افراد تحصیلکرده) نیز وجود دارد؛ به‌ویژه زنان، هنگامی که مفردی برای حل مسائل خود نمی‌یابند، به سمت این شیوه‌ها گرایش پیدا می‌کنند.

اطلاعات تحقیق قادرزاده و غلامی (۱۳۹۳) حاکی از آن است که زنان سنندجی به دلایلی چون روزمرگی، آینده‌نگری، فشار هنجاری و فقدان حمایت اجتماعی، به فال‌گیری روی می‌آورند. جهانشاهی افشار و شمس‌الدینی مطلق (۱۳۹۳) زمینه‌ها و علل گرایش به خرافه را در دو سطح برشمردند؛ آنها نفوذ تفکر زروانی دراندیشه ایرانیان، تأثیر مشرب اشعری، تقدیرگرایی و گسترش قرائت خاصی از فرهنگ دینی، عضویت در طبقه اقتصادی - اجتماعی پایین و در نهایت، ضعف تفکر انتقادی را از جمله عوامل جامعه‌شناختی و عواملی مانند تلقین‌پذیری، فشار حاصل از هم‌شکلی با دیگران، تمایل به انتقال شر و بازداری، فرافکنی و میل به تسکین را از جمله عوامل روان‌شناختی دانسته‌اند. نتایج تحقیق غلامی گوزلبلاغ و الیاسی (۱۳۹۴) حاکی از آن است که در منطقه آذربایجان غربی، به‌رغم پیشرفت‌های علم پزشکی، نه تنها اهمیت درمان‌گری عامیانه در میان مردم کاهش نیافته، بلکه گرایش عمومی نسبت به آن افزایش هم یافته است و این پدیده، جایگاه قابل اعتمادی در میان بخش‌هایی از مردم دارد.

لی^۱ (۲۰۰۹) تحقیقی را به نام «شمنیسم^۲ و قدرت رهایی‌بخش آن برای زنان کره‌ای» انجام داده است. این تحقیق یک تحلیل تاریخی و فمینیستی از نقش شمنیسم در زندگی زنان کره‌ای است. طبق نتایج این تحقیق، در کره جنوبی، شمنیسم قدیمی‌ترین مجموعه از باورهای دینی است و سیستم پدرسالاری نئوکنفوسیوسی با اجرای فرهنگ پدرسالاری زنان را به انقیاد درآورده است. در این جامعه، شمنیسم بخشی از فرهنگ مقاومت^۳ و نمادی از عزم زنان برای ایجاد فضای امن می‌باشد. زاینال^۴ (۲۰۱۳) تأثیر خرافات بر شیوه زندگی مردم مالزی را در سه نوع مذهبی، اخلاقی و اجتماعی مورد بررسی قرار داد. یافته‌های وی نشان داد که خرافات مذهبی و اخلاقی با سبک زندگی مردم ارتباط معناداری دارند. افراد معتقد به خرافات مذهبی، سبک

1 Lee

2 Shamanism

3 Culture of Resistance

4 Zainal

زندگی سنتی‌تر و افراد معتقد به خرافات اخلاقی، سبک زندگی مدرن‌تری دارند. خرافات اجتماعی نیز با سبک زندگی مردم ارتباط معناداری ندارد.

مرور ادبیات انجام‌شده بر دو واقعیت مهم دلالت دارد:

- روش‌های عامیانه‌ی چاره‌جویی از مشکلات هنوز زنده و فعال است؛

- زنان، بیش از مردان، مصرف‌کننده‌ی این قبیل روش‌ها هستند.

اما در بین آثار یادشده، موضوع مراجعه‌ی زنان تحصیلکرده به دعانویسی و فال‌گیری کمتر مطالعه شده است. از این رو، پژوهش حاضر، می‌تواند برای فهم بهتر ذهنیت، ادراک و عمل زنان (به‌ویژه در ارتباط با چاره‌جویی از مشکلات‌شان) پنجره‌ی تازه‌ای بگشاید.

چارچوب مفهومی

اعتقاد به جادو و امور ماورایی از دیرباز در بین اقوام مختلف رواج داشته و این امر، کنجکاو و علاقه نظریه‌پردازان را از گذشته تا به امروز به خود جلب کرده است. بیتس و پلاک^۱ (۱۳۸۲):

۶۸۶ - ۶۸۳) معتقدند در بیشتر جوامع بشری، برخی آدم‌ها از میانجی‌هایی کمک می‌گیرند که در هنر دسترسی به ارواح و خدایان تخصص دارند. طالع‌بینان، احضارکنندگان ارواح و فال‌گیران، نوعی شمن به‌شمار می‌آیند. آنها منزلت مذهبی خود را به‌گونه‌ای مادرزادی از طریق الهام‌شدن و یا از طریق تماس با یک نیروی فراطبیعی به‌دست می‌آورند. شمن‌ها برای این شغل خاص تربیت می‌شوند و یا آن را به ارث می‌برند. شمن، واسطه‌ی نیروهای فراطبیعی است و به‌عنوان کسی که توانایی منحصربه‌فردی در شفابخشی، غیب‌گویی یا جادوگری دارد، عمل می‌کند. بسیاری از شمن‌ها دانش قابل ملاحظه‌ای درباره‌ی خواص گیاهان دارویی دارند. بنابراین آنها ممکن است بیش از آنچه که ما تقویت روحی می‌نامیم، به مردم عرضه کنند. شمن‌ها کارفرمایان فردی‌اند و نفوذشان به توانایی آنها در شفابخشی و درزمینه‌های مشابه بستگی دارد.

انسان‌شناسانی مثل تایلور^۲ و فریزر^۳ بر این باور بودند که بشر از دو مرحله‌ی جادو و دین به مرحله تفکر علمی می‌رسد. وی میان دین و جادو تمایز قائل شد و جادو را نه مبتنی بر باورداشت به هستی‌های روحانی، بلکه مبتنی بر قدرت‌ها و نیروهای غیرشخصی دانست. کسانی که به رویه‌های جادویی روی می‌آورند، تصور می‌کند در برنامه‌های جادویی بر پایه‌ی اصل

1 Bates & Plak

2 Taylor

3 Frazer

همانندی و تداعی عمل می‌شود و چیزهای همانند، ارتباط علی با هم دارند. یک جادوگر چنین می‌اندیشد که با کاربرد یا عمل کردن روی یک چیز براساس شیوه‌های معین، تأثیرگذاری بر چیزهای دیگری که به آن چیز همانند هستند، امکان‌پذیر می‌شود. از همین رو، جادو بیشتر شبیه به علم است، اما بر فرض‌های نادرست مبتنی است، اما تایلور جادو را ناخردانه نمی‌داند، بلکه در شرایط نادانی و فقدان دانش درست درباره پیوندهای واقعی میان چیزها، آن را توجیه‌پذیر می‌انگارد.

فریزر براین باور است که اندیشه جادویی، مبتنی بر نوعی تداعی معانی است که با توجه به آن، برخی انواع تداعی یا پیوستگی، بر وابستگی‌های علی میان چیزها دلالت می‌کنند (همیلتون، ۱۳۹۳: ۵۱). بر اساس دیدگاه تکاملی تایلور و فریزر، در دوره جدید که معرفت علمی رشد کرده است، به تدریج روش‌های علمی، جایگزین روش‌های جادویی می‌شوند و روش‌های عامیانه و غیرعلمی دیگر طرفدار نخواهند داشت.

اما مالینوفسکی^۱، برخلاف تایلور و فریزر، معتقد است که افراد برای رسیدن به نتیجه‌های مشخص درمانی یا رسیدن به هدف‌هایی که اظهار می‌شود، سراغ مناسک و روش‌های جادویی نمی‌روند، بلکه جادو دارای کارکردهای روان‌شناختی و اجتماعی است. آیین‌ها و افسون‌های جادویی، در حقیقت محصول تجارب عاطفی و واکنش‌های طبیعی انسان در مواجهه با «بن‌بست‌های» زندگی بشر می‌باشد (موریس، ۱۳۸۳: ۲۰۳). به نظر او جادو خصلتی تخلیه‌کننده دارد، لذا ریشه در تنش‌های عاطفی دارند. سرچشمه‌های این تنش را باید در این واقعیت جست که زندگی انسانی نامطمئن و پرتنش است. از نظر وی جادو ممکن است به صورت خودجوش آغاز گردد، اما به تدریج بخشی از فرهنگ می‌شود، یکنواخت می‌شود و پس از اکتساب از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد (همیلتون، ۱۳۹۳: ۸۹). بنابراین، حتی در دوره جدید - که روش‌های علمی درمان و یا تبیین رویدادهای دیگر رشد کرده است - باز هم بن‌بست‌ها و تنش‌های زندگی وجود دارند و روش‌های غیرعلمی مواجهه با مشکلات و بیماری‌ها به‌خاطر کارکردهای روانی‌شان طرفدارانی دارد. به این ترتیب، بر اساس نظریه مالینوفسکی می‌توان انتظار داشت که حتی زنان تحصیل‌کرده - که موضوع این مطالعه هستند - هم در شرایط بحرانی و بن‌بست به روش‌های غیرعلمی مواجهه با مشکلات و بیماری‌ها روی آورند.

1 Malinowski

روش تحقیق

از آنجا که این تحقیق درصدد فهم همدلانه ذهنیت و نگرش زنان درباره مراجعه به دعانویس و فال‌گیر است، از روش متناسب با این هدف (یعنی از روش کیفی) استفاده شد. در پژوهش کیفی، تحلیل‌ها مبتنی بر تفسیر است. این تفسیر به‌منظور کشف مفاهیم و رابطه‌ها در داده‌های خام، و سازمان‌دادن آنها در قالب یک طرح توضیحی نظری انجام می‌شود (استرواس و کوربین، ۱۳۹۰: ۳۳ - ۳۲). یکی از روش‌های تحلیل کیفی، نظریه زمینه‌ای^۱ است. روش نظریه زمینه‌ای رویه‌های منظمی برای شکل‌دهی و دستکاری مواد کیفی غنی فراهم می‌سازد و به ساختاردهی و سازمان‌بخشی تحلیل و جمع‌آوری داده کمک می‌کند (Charmaz, 1996: 27-28). بنابراین به‌منظور درک واقعیت اجتماعی از دیدگاه کنشگران میدان تحقیق، روش نظریه زمینه‌ای مبنای کار قرار گرفت.

با توجه به منطبق روش نظریه زمینه‌ای از دو روش نمونه‌گیری هدفمند^۲ و نمونه‌گیری نظری^۳ استفاده شد. نمونه‌گیری هدفمند عبارت است از گزینش واحدهایی خاص مبتنی بر اهداف خاص مرتبط با پاسخ به سؤال‌های خاص تحقیق (محمدپور، ۱۳۹۰: ۳۲). به این دلیل، ابتدا نمونه‌ها از میان زنان تحصیلکرده شهر رشت - که دعانویسی و فال‌گیری را تجربه کرده‌اند انتخاب شدند. هریک از مشارکت‌کنندگان براساس جستجوی شخصی پیدا و انتخاب شدند و فرایند انتخاب نمونه‌ها نه به‌صورت تصادفی، بلکه براساس تحلیل داده‌ها به‌دست آمد. بدین صورت که هم‌زمان با تحلیل پاسخ‌های هریک از مشارکت‌کنندگان، نمونه بعدی انتخاب شد و با مقایسه مکرر شرایط، تعامل و پیامدهای پدیده مورد مطالعه، مقولات مربوطه تحلیل شد. فرایند در نقطه «اشباع نظری» (یعنی زمانی که تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که مفاهیم و مقولات جدیدی به‌دست نمی‌آید و موجب ارتقای نظریه نمی‌شود)، ادامه یافت. با توجه به معیار یادشده، ۱۶ نفر از زنان ساکن شهرستان رشت که به امکان فال‌گیری و دعانویسی مراجعه داشتند، مورد مصاحبه قرار گرفتند. خصوصیات مصاحبه‌شوندگان در جدول شماره ۱ آمده است.

1 Grounded Theory

2 Purposive Sampling

3 Theoretical Sampling

جدول ۱ - اطلاعات زمینه‌ای مصاحبه‌شوندگان

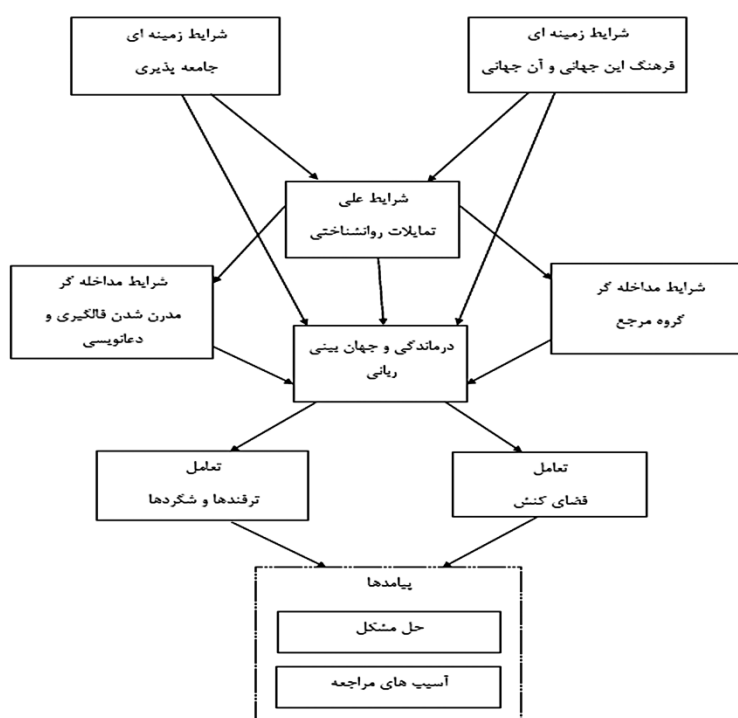
مصاحبه‌شونده‌گان	وضع تاهل	سن	مقطع تحصیلی	رشته تحصیلی
مصاحبه‌شونده ۱	متاهل	۳۴	کارشناسی	مدیریت بازرگانی
مصاحبه‌شونده ۲	مجرد	۲۲	کارشناسی	مهندسی پزشکی
مصاحبه‌شونده ۳	مجرد	۲۲	کارشناسی	اتاق عمل
مصاحبه‌شونده ۴	مجرد	۲۵	کارشناسی ارشد	جامعه شناسی
مصاحبه‌شونده ۵	مجرد	۳۰	کارشناسی ارشد	ریاضی
مصاحبه‌شونده ۶	مجرد	۲۶	کارشناسی ارشد	حسابداری
مصاحبه‌شونده ۷	متاهل	۳۳	کارشناسی	طراحی دوخت
مصاحبه‌شونده ۸	مجرد	۲۳	کارشناسی	میکروبیولوژی
مصاحبه‌شونده ۹	مجرد	۳۰	کارشناسی ارشد	روان شناسی
مصاحبه‌شونده ۱۰	متاهل	۲۴	کارشناسی	گرافیک
مصاحبه‌شونده ۱۱	متاهل	۳۵	کارشناسی	مامایی
مصاحبه‌شونده ۱۲	مجرد	۲۴	کارشناسی	گرافیک
مصاحبه‌شونده ۱۳	مجرد	۴۵	کارشناسی	آسیب‌های اجتماعی
مصاحبه‌شونده ۱۴	متاهل	۳۵	کارشناسی	پرستاری
مصاحبه‌شونده ۱۵	متاهل	۴۵	کارشناسی	پرستاری
مصاحبه‌شونده ۱۶	متاهل	۲۷	کارشناسی ارشد	جامعه شناسی

هریک از مشارکت‌کنندگان در تحقیق، با معرفی دوستان و آشنایان انتخاب شدند. با عنایت به اینکه بهره‌مندی از تحصیلات دانشگاهی معیار اصلی مصاحبه با افراد بوده است، مصاحبه‌ها در منزل مصاحبه‌شوندگان انجام شد و سپس مصاحبه‌های ضبط‌شده به متن نوشتاری تبدیل شد تا امکان استخراج مفاهیم و مقولات اصلی فراهم شود. هر مصاحبه ۴۰ - ۶۰ دقیقه به طول انجامید. علاوه بر تکنیک مصاحبه، محقق درصدد برآمد، برای درک همه‌جانبه پدیده مذکور، به‌عنوان عضوی فعال در میدان تحقیق حضور یابد تا با مشارکت مستقیم به‌عنوان مراجعه‌کننده، به درک درستی از فضای دعانویسی و فال‌گیری و عملکرد آنها نائل شود.

واحد تحلیل در کدگذاری باز سطر به سطر و پاراگراف به پاراگراف است. در این تحقیق، از روند سطر به سطر برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده است و پس از استخراج مفاهیم اولیه، هر یک از مفاهیم، به‌صورت مقولات فرعی و اصلی دسته‌بندی شد و کدگذاری آنها براساس متن مصاحبه‌ها از زبان عامیانه به زبان نظری، با توجه به ادبیات نظری موجود صورت گرفت.

یافته‌ها

در این بخش اطلاعات گردآوری شده به صورتی تنظیم شده است تا عوامل مستعدساز تصمیم‌گیری برای مراجعه به دعانویسی و فال‌گیری را آشکار سازد. یافته‌های تحقیق در چند سطح (مفاهیم، مقوله‌های عمده، مقوله‌های نهایی و مقوله هسته) تلخیص و طبقه‌بندی شد و به صورت مدل تفسیری زیر، پیشنهاد می‌گردد:



شکل ۱: مدل پارادایمی تحقیق

دلایل مراجعه به دعانویس و فال‌گیر

دلایل مراجعه، براساس تجربه مشارکت‌کنندگان در تحقیق، در چند مقوله حل مشکلات مالی؛ شامل بیکاری، کسب درآمد و رونق کار، پیداشدن اشیاء گم شده، درمان بیماری‌های جسمی و روانی و حل مسائل و مشکلات ازدواج از جمله اختلاف زن و شوهر، شکست رابطه عاطفی و بخت‌گشایی به صورت زیر دسته‌بندی شده است:

"ف" کارشناسی مامایی ۳۵ ساله متأهل می‌گوید: «من با دوستم برای رونق کسب و کارش رفتیم».

"ش" کارشناسی ارشد روان‌شناسی ۳۰ ساله مجرد می‌گوید: «من هم‌زاد منو اذیت می‌کرد شباً نمیتونستم بخوابم رفتیم».

"س" کارشناسی مدیریت بازرگانی ۳۴ ساله متأهل می‌گوید: «من با شوهرم اختلاف داشتم. خانواده شوهرم تو زندگی مون دخالت می‌کردن رفتیم».

مقوله شریاطی

مقوله ۱: جامعه‌پذیری

جامعه‌پذیری یکی از عوامل زمینه‌ساز مراجعه زنان به اماکن دعانویسی و فال‌گیری می‌باشد. در فرایند جامعه‌پذیری، شیوه‌های تفکر و قالب‌های ذهنی، مطابق با ویژگی‌های فرهنگی جامعه فراگرفته می‌شود. نتیجه گفتگو با مشارکت‌کنندگان در تحقیق، نشان می‌دهد که زنان به دلیل نوع تربیت خاصی که از طریق خانواده کسب کرده‌اند، به دعانویس و فال‌گیر مراجعه می‌کنند. در این خصوص، مشارکت‌کننده "آ" دارای مدرک کارشناسی ۴۵ ساله مجرد می‌گوید:

«به نظرم آدمی که مهارت‌های نه‌گفتن، تفکر انتقادی، تفکر خلاق و حل مسئله را بلد باشه، دیگه متوسل به همچین چیزایی نمیشه. ما طوری آموزش می‌بینیم که نمی‌تونیم خودمون تصمیم بگیریم».

بیشتر مصاحبه‌شوندگان، به‌طور مکرر بیان می‌کردند که روش‌های متعارف، راهگشای برخی مشکلات نیست. چنان‌که "ش" کارشناسی ارشد روان‌شناسی ۳۰ ساله مجرد می‌گوید:

«ببین یه همچین چیزی چطوری علم می‌خواد حلش کنه، کدوم دکتر می‌تونه بخت رو باز کنه، پس طرف میره پیش دعانویس. ببین به جای اینکه سمت علم بری، یه توکه پا سمت دعانویس میری. منم تازه اعتقاد پیدا کردم».

گفته‌ها حاکی از آن است که زمانی‌که تبیین‌های علمی (علی و معلولی) پاسخگوی پرسش‌های افراد نیستند، زنان از دعانویس و فال‌گیر کمک می‌طلبند؛ زیرا باورهای ماورایی، پاسخ‌هایی را در ارتباط با پرسش‌ها مطرح می‌کند که به داعیه‌هایی درباره جهان مربوط است و علم معمولاً آنها را مدّ نظر قرار نمی‌دهد؛ به‌ویژه زنان، به دلیل اهمیت حفظ زندگی زناشویی یا دختران به دلیل اجبار اجتماعی به ازدواج و احساس ناامنی در زیست جهان خود، بیشتر سعی می‌کنند که پاسخی برای این قبیل مشکلات خود بیابند.

در خلال فرایند جامعه‌پذیری، جهان‌بینی دینی نیز در افراد درونی می‌شود. در اکثر مصاحبه‌ها به این عامل اشاره می‌شد. در این باره "س" کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی ۲۵ ساله مجرد می‌گوید:

«تو ذهنمون بگردی، نهادینه شده که قرآن کتاب خداست و اینا یه جورایی توجیه می‌کنه که حتی ممکنه ما بریم پیش دعانویس و غیره و ممکنه دستوراتش رو هم عملی کنیم». البته برخی مصاحبه‌شوندگان نیز ضعف ایمان را علت مراجعه می‌دانستند. "ف" کارشناسی مامایی ۳۵ ساله متأهل می‌گوید:

«خیلی وقتا من میرم؛ چون ایمانم به خدا ضعیف شده. اگه به خدا تکیه کنم، اینجاها نمی‌رم».

علاوه بر این، از دیدگاه مشارکت‌کنندگان در تحقیق، یکی از علل مراجعه، تأثیرپذیری از سنت‌های گذشته است. "س" کارشناسی مدیریت بازرگانی، ۳۴ ساله، متأهل می‌گوید:

«یه اعتقاداتی هست از گفته‌های گذشته‌ها، حالا نمی‌دونم تجربه‌شون مثبت بوده یا منفی، می‌گفتن این مشکل رو داری برو یه سرکتاب بازکن».

در کنار اینها، خانواده، یکی از نهادهای اصلی آموزش ارزش‌ها، هنجارها و عقاید فرهنگی جامعه است و اولین نهادی است که اجتماعی شدن را به فرد می‌آموزد. لذا بسیاری از عقاید و رفتار اجتماعی و سبک زندگی که فرد انتخاب می‌کند، متأثر از اعتقادات و شیوه زندگی خانواده وی است. در این خصوص، "ل" کارشناسی پرستاری، ۴۵ ساله، متأهل می‌گوید:

«مامانم به این چیزا اعتقاد داره، منم اعتقاد پیدا کردم».

از آنجا که به‌طور معمول دختران، سبک زندگی و اعتقادات مادر را برمی‌گزینند، بنابراین می‌توان گفت اعتقاد به تأثیر سحر و جادو از طریق خانواده و به‌ویژه مادران، به پاسخگویان منتقل شده است.

مقوله ۲: فرهنگ این جهانی و آن جهانی

منظور از «فرهنگ آن جهانی»، اعتقاد به باورهای ماوراءالطبیعی است که در حکم میراث اجتماعی در ذهنیت افراد جامعه و فرهنگ عامه نهادینه شده است. به عبارتی، فرهنگ این جهانی با امور عینی و فرهنگ آن جهانی با امور فرامادی مرتبط است. کنش افراد، هنگام مواجهه با وقایع تلخ، ناشی از تلاقی این دو فرهنگ می‌باشد. براساس مشاهدات و مصاحبه‌های پژوهشگر از میدان تحقیق، زنان به‌دلیل فقدان فرهنگ مشاوره و داشتن جهان‌بینی متافیزیکی

به اماکن دعانویسی و فال‌گیری مراجعه می‌کنند. فقدان فرهنگ مشاوره در جامعه ایران، بیانگر این موضوع است که هنوز علوم روان‌شناختی، جایگاه مناسب خود را در زندگی روزمره مردم نیافته‌اند و به این دلیل، زنان و دختران از افراد و شیوه‌های غیرتخصصی بهره می‌برند. چنان‌که در این باره "کارشناسی پرستاری، ۳۵ ساله، متأهل می‌گوید:

«ما در ایران چیزی مثل مشاور و روان‌شناس برامون این معنی رو داره که مشکل اعصاب و روان داریم؛ چون تو فرهنگ ما جا نیفتاده، جامعه ما این شکلیه، ما نمی‌تونیم بریم.»

صحت‌های این مصاحبه‌شونده حاکی از آن است که هنوز کمک خواستن از مشاوران و روان‌شناسان از مقبولیت اجتماعی لازم برخوردار نیست. در این میان، تجربه ناموفق از مراجعه به مراکز مشاوره هم بی‌اثر نیست. برای مثال "ز" کارشناسی ارشد حسابداری، ۲۶ ساله، مجرد می‌گوید:

«من خودم با دوست‌پسرم مشکل داشتم، رفتیم که باهم بتونیم مشکلاتمون رو حل کنیم. وقتی رفتیم پیش روان‌شناس، بیشتر پریشون شدم؛ به‌خاطر همین دیگه نفرتم. ما مشاور خوب نداریم. توی رشت که من پیدا نکردم.»

در کنار این شرایط، هزینه زیاد خدمات مشاوره‌ای هم می‌تواند مزید بر علت باشد چنان‌که "ف" کارشناسی مامایی، ۳۵ ساله، متأهل می‌گوید:

«مشاوره، هزینه‌ش خیلی بالاست، اما فال‌گیر و دعانویس نه.»

فقدان فرهنگ‌سازی مناسب برای مشورت با روان‌شناس‌ها نیز علت مهمی در فقدان انگیزه مراجعه‌کنندگان به مراکز مشاوره است. "ز" کارشناسی ارشد حسابداری، ۲۶ ساله، مجرد می‌گوید:

«ما تشویق نمی‌شیم بریم پیش مشاور.»

شاید بتوان چنین اظهارنمود که در مورد ضرورت کسب راهنمایی از روان‌درمانگر و مشاور، به اندازه کافی فرهنگ‌سازی نشده است.

پاسخگویان، در مواجهه با مشکلات زندگی، نقش ویژه‌ای را برای موجودات غیرانسانی و برخی نیروهای ماورایی قائل هستند. برخی از آنها معتقدند در این جهان، عالم فرازمینی وجود دارد. در این ارتباط "ز" کارشناسی میکروبیولوژی، ۲۳ ساله، مجرد می‌گوید:

«یه دنیایی خارج از دنیایی که ما زندگی می‌کنیم وجود داره؛ یه عالم ماورایی هست.»

در نتیجه، با وجود این نوع ذهنیت، افراد از شیوه‌هایی چون دعانویسی و فال‌گیری بهره می‌برند؛ زیرا الگوی فکری آنها برای مواجهه با مشکلات و چاره‌جویی از آنها تحلیل و تفسیر خاصی ارائه می‌کنند تا امور مجهول، مبهم را برای آنان معنادار و قابل تحمل سازد.

البته اعتقاد متافیزیکی، بخشی از فرهنگ سنتی ایرانی است و وجود آن به معنای عدم عقلانیت نیست، بلکه نشان‌دهنده نگرش و سبک زندگی خاصی است که قائل به عاملیت نیروهای فرامادی هستند که بخشی از هویت ایرانی در طول تاریخ بوده و در فرهنگ مردم نفوذ زیادی دارد. در این خصوص، "ش" کارشناسی ارشد روان‌شناسی ۳۰ ساله مجرد می‌گوید:

«اکثراً تحصیلکرده‌ها قبول دارن سحر و جادو چیزیه که همه اعتقاد دارن بهش؛ چون همه دارن اثرش رو می‌بینن. اصلاً آدم گرایش پیدا می‌کنه به این سمت، جامعه ما دعا و سحروجادو رو تو فرهنگ ما جا انداخته».

بر این اساس، به نظر می‌رسد از دیدگاه متقاضیان، این شیوه برای آنها در بردارنده نتایج قابل اعتنایی است.

مقوله ۳: تمایلات روان‌شناختی

مقوله تمایلات روان‌شناختی؛ یعنی نیازهای روانی و شخصیتی خود مراجعه‌کنندگان، از جمله شرایط علی مؤثر در گرایش به دعانویسی و فال‌گیری است. از آنجا که در دنیای کنونی، زندگی روزمره به سمت عقلانیت روزافزون پیش می‌رود، این روند به نادیده گرفته شدن نیازهای عاطفی و روانی مردم منجر شده است. به دلیل فردگرایی و سلطه بُعد عقلانی، بخشی از نیازهای روانی و عاطفی افراد، تأمین نشده است. در این بین، دعانویسی و فال‌گیری برای مراجعه‌کنندگان، به مثابه کانونی برای خودگشودگی و بیان مشکلات عاطفی و روانی عمل می‌کند تا بتوانند بر شرایط نامتعیّن و نامعلوم، نظارت داشته باشند. روش‌های یادشده، در شرایط ناگوار و وقایع توجیه‌ناپذیر و پرمخاطره، به افراد امید و اطمینان و آرامش خاطر می‌دهد.

چنان‌که "س" کارشناسی گرافیک ۲۴ ساله مجرد می‌گوید:

«ما اتفاقی رو که برامون افتاده، نمی‌تونیم تحمل کنیم. به نظر من کسی که نتونه با خودش مشککش رو حل‌کنه، در خودش قضیه رو حل‌کنه، میره دنبال دعانویس و فالگیر».

یا "ه" کارشناسی ارشد ریاضی ۳۰ ساله مجرد می‌گوید:

«ما هی جلو رفتیم، دیدیم با کارهایی که داریم می‌کنیم مثلاً درس می‌خونیم، راه ما راه مستقیمه، ولی اون نتیجه که باید بگیریم، نمی‌گیریم؛ متوسل می‌شیم به این چیزا».

براساس اظهارات مصاحبه‌شونده، ناکامی در زندگی تحصیلی زنان تحصیلکرده، یکی از علل بهره‌گیری آنان از دعانویسی و فال‌گیری است؛ زیرا آنان معتقدند که از راه‌های علمی نتوانسته‌اند به آرزوهای خود نائل شوند و در رسیدن به مقاصد خود ناکام مانده‌اند. لذا ناامیدی و

سرخوردگی از دستیابی به اهداف می‌تواند افراد را به انتخاب شیوه‌های نامتعارف سوق دهد. "س" کارشناسی مدیریت بازرگانی ۳۴ ساله متأهل می‌گوید:

«معمولاً زن‌ها که اعتماد به نفس شون پایینه، میرن اینجاها».

علاوه بر این اعتماد به نفس کم، راحت‌طلبی و نیاز به تأیید، یکی دیگر از ویژگی‌های شخصیتی مراجعان می‌باشد. چنان‌که "ف" کارشناسی مامایی ۳۵ ساله متأهل می‌گوید:

«همش ما دنبال راحت‌ترین کاریم یا اینکه دنبال اینیم یکی ما رو تأیید کنه. مشاور تو رو تأیید نمی‌کنه، میاد میگه تو این مشکل داری، اما فال‌گیر و دعانویس تو رو تأیید می‌کنه، میخواد تو راضی بری، واسه همین ما میریم سمت این چیزا».

بنابراین از دیدگاه زنان، وقتی شیوه‌های معمول، چشم‌انداز روشنی ندارد، طبیعی است که ترجیح می‌دهند همان راه‌های کوتاه را امتحان کنند.

در برخی موارد، توسل به این قبیل شیوه‌ها، مراجعه‌کننده را از تنش‌های عاطفی رها می‌سازد و توانایی مقابله با چالش‌های زندگی را به وی می‌دهد و آثار روانی مثبتی به همراه دارد. به عبارتی، از دیدگاه آنان مناسکی که به اجرا در می‌آید، بر کائنات تأثیر عملی دارد و در شرایط بی‌اطمینانی نگرانی‌ها را کاهش می‌دهد. چنان‌که "ش" کارشناسی ارشد روان‌شناسی ۳۰ ساله مجرد می‌گوید:

«من پول دادم، دعا گرفتم. خونه ما واقعاً دلهره‌آور. ایناست وقتی من سوزوندم واقعاً آرامش گرفتم».

گفته‌ی یکی از مشارکت‌کنندگان حاکی از آن است که زنان در زندگی روزمره و پرتنش خود، به دنبال نظم و معنادگی به امور هستند. دعانویس‌ها و فال‌گیران با توجه به استراتژی‌ای که پیش می‌گیرند، می‌توانند پاسخی را به ناآرامی‌های زندگی زنان مراجعه‌کننده ببخشند. در نتیجه، می‌توان گفت که مراجعه افراد به این نوع اماکن، یک نوع کنش سنتی معطوف به هدف است. یا "ز" کارشناسی میکروبیولوژی ۲۳ ساله مجرد می‌گوید:

«من همه راه حل‌ها رو امتحان کردم؛ نتیجه‌ای ندیدم، درمونده شدم. به نظر من وقتی که آدم به بن‌بست می‌خوره، هیچ راهی براش نیست، سمت این جور چیزا میره».

سخن مصاحبه‌شونده، حکایت از آن دارد که زنان در مواقع بحرانی و درماندگی به دعانویس و فال‌گیر رجوع می‌کنند.

میل به پیش‌بینی پذیر کردن آینده، برای تأمین امنیت هستی‌شناختی افراد درباب زندگی روزمره، حائز اهمیت است. همان‌گونه که "م" کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی ۲۷ ساله متأهل می‌گوید:

«من اولین بار برای سرگرمی پیش این افراد رفتم، اما بعدش دیگه نه، واسه مشکل می‌رفتم».

گفته این مصاحبه‌شونده، حکایت از آن دارد که کنجکاوی و تفنن یکی از انگیزه‌های مراجعه زنان و دختران به این اماکن است. زنان و دختران، گاهی به‌دلیل کنجکاوی نسبت به آینده و گاهی به‌دلیل روزمرگی زندگی نوین، برای سرگرمی و تفنن در موقعیت‌های عادی به این اماکن مراجعه می‌کنند. اغلب آنها اظهار داشتند که اولین بار، به‌دلیل تفنن و سرگرمی رفته‌اند و پس از یک تجربه مثبت در موقعیت‌های بحرانی، برای رفع مشکل و آگاهی از آینده خود، مراجعه می‌کردند. "ه" کارشناسی ارشد ریاضی ۳۰ ساله مجرد می‌گوید:

«کنکور دادم. می‌خواستم نتیجه کنکور زودتر بدونم رفتم».

بشر از دیرباز به‌دلیل تجربه‌های ناخوشایند و غیرقابل تحمل در زندگی روزمره خود، علاقه‌مند بوده است که از آینده و پیشامدهای آن آگاهی داشته باشد، اما امروز، شاید به‌دلیل آشفتنگی جامعه، این ناامنی و بدبینی نسبت به محیط اجتماعی در بین زنان، بیشتر احساس می‌شود. در نتیجه، زنان و دختران مراجعه‌کننده با استفاده از دعانویسی و فال‌گیری، سعی دارند آینده نامعلوم و نامتعیّن خود را کنترل کنند تا از فشارها و اضطراب‌های زندگی روزمره‌شان کاسته شود.

مقوله ۴: مدرن‌شدن فال‌گیری و دعانویسی

مقوله مدرن‌شدن فال‌گیری و دعانویسی، یکی از شرایط مداخله‌گر در مراجعه می‌باشد. برخلاف گذشته، امروزه با پیشرفت روزافزون فناوری‌های ارتباطی، برقراری روابط، بدون حضور در مکان مشترک و از فاصله دور هم امکان‌پذیر است. لذا فاصله‌گیری در زندگی امروز، موجب شده است که افراد، بدون ارتباط متقابل از طریق اینترنت و فناوری‌های ارتباطی، وارد تعامل و بده‌بستان شوند. چنین است که این فرایند با دسترسی و عدم دسترسی به دعانویسی و فال‌گیری ارتباط دارد و نه تنها مانع از رشد این شیوه‌ها نشده، بلکه در توسعه و فراگیری و دسترسی آسان به آن، نقش ویژه‌ای دارد.

"آ" کارشناسی مهندسی پزشکی ۲۲ ساله مجرد می‌گوید:

«یه کانال فال عضو بودم اونجا یه نرم‌افزار فال و سرکتاب گذاشت داندوشش کردم و ازش استفاده کردم».

حتی برخی از دعانویسان و فال‌گیران از راه‌های ارتباطی چون نرم‌افزارها یا تلفن، به نیازهای زنان پاسخ می‌دهند. همان‌گونه "ه" کارشناسی ارشد ریاضی ۳۰ ساله مجرد می‌گوید:

«یه دعانویسِ تلفنی، یکی بهم معرفی کرد. زنگ زدم جالب اینکه پشت تلفن کار رو انجام میده».

بنابراین، براساس تجربه مصاحبه‌شوندگان، دسترسی آسان به دعانویسی و فال‌گیری در شیوع این شیوه‌ها در جامعه، مؤثر است. لذا زنان و دختران، نیازی به مراجعه حضوری به اماکن دعانویسی و فال‌گیری ندارند و به‌طور غیرمستقیم نیز می‌توانند با فرد موردنظر ارتباط برقرار کنند و پاسخ خود را دریافت کنند.

مقوله ۵: گروه مرجع

گروه مرجع، از جمله شرایط مداخله‌گر در گرایش به دعانویسی و فال‌گیری می‌باشد. این مفهوم بدان معناست که زنان مراجعه‌کننده، به‌واسطه تشویق و ترغیب گروه‌های مرجع (اعم از دوستان و آشنایان‌شان) جذب این حوزه‌ها می‌شوند. لذا عقاید و توصیه‌های این گروه را ملاک مقابله با مشکلات خود قرار می‌دهند. چنان‌که "س" کارشناسی مدیریت بازرگانی ۳۴ ساله متأهل می‌گوید:

«دیگران می‌اومدن مغازه، می‌گفتن ما مشکل داشتیم پیش اون شخص رفتیم، مشکلمون حل شده، دستش خیلی خوبه، برو پیشش».

زنان بیشتر به گفتگو و درددل کردن با یکدیگر تمایل دارند، لذا در همنشینی‌ها، مشکلات خود را با یکدیگر در میان می‌گذارند. در این بین، یکی از شیوه‌هایی که براساس تجربه مثبت خود به یکدیگر توصیه می‌کنند، بهره‌گیری از دعانویس و فال‌گیر است.

تعاملات

مقوله ۶: فضای کنش

فضای کنش، بیانگر تجربه زیسته مراجعه‌کنندگان هنگام تعامل با فرد دعانویس یا فال‌گیر است. در این مقوله، مقصود از فضای کنش، حس و حال و تجربه مراجعه‌کننده پس از ورود به این

اماکن است. لذا کنش گر به گفته خود، در این کنش، دو نوع فضای مثبت و منفی را تجربه کرده است. چنان که "س" کارشناسی ارشد روان‌شناسی ۳۰ ساله مجرد می‌گوید:

«من یه بار فال قهوه رفتم، فضاش خیلی خوب بود. به طرف بستگی داره، هیچ‌کس احساس استرس نمی‌کرد، ولی چند سال پیش رفتیم خونه یه نفر، وارد خونه شدم سرگیجه شدید گرفتم، صداهای عجیبی می‌شنیدم».

در مجموع، فضاهایی که با نمادهای مذهبی مزین شده است، بیانگر شخصیت مذهبی دعانویس و فال‌گیر می‌باشد و از آن به‌عنوان فضای خوب یاد می‌کند.

مقوله ۷: ترفندها و شگردهای دعانویسان

منظور از ترفندها و شگردها، شیوه‌ها و مهارت‌هایی است که دعانویسان و فال‌گیران در تعامل با مراجعه‌کننده از آن استفاده می‌کنند. یکی از ترفندها بدین شکل است که دعانویس و فال‌گیر با حفظ فاصله و محدود ساختن تماس خود با مراجعه‌کننده، سعی دارد هاله‌ای بر نقشی که ایفا می‌کند، ایجاد کند تا بتواند برای خود جایگاه ویژه‌ای را کسب نماید. چنان که "س" کارشناسی مدیریت بازرگانی ۳۴ ساله متأهل می‌گوید:

«این افراد یه کتاب خاصی دارن که مثلاً به ما نشون نمیدن».

برخی از دعانویسان و فال‌گیران با ترفندهای غیب‌گویی و پیش‌گویی در تماس و تعامل با مراجعه‌کننده جلب اعتماد می‌کنند چنان‌که "ز" کارشناسی میکروبیولوژی ۲۳ ساله مجرد می‌گوید:

«من دوتا وسیله تو اتاق خودم داشتم و اصلاً به دعانویسه نگفته بودم، دقیقاً آدرسه اون دوتا وسیله رو به من داد. اصلاً من تعجب کردم».

علاوه بر این، دعانویسان و فال‌گیران از مهارت‌های روان‌شناسی اجتماعی بهره می‌برند. به عبارتی، در هنگام تعامل با مراجعه‌کننده سعی می‌کنند، براساس برافروختگی چهره و واکنش افراد و با شگردهای خاص روان‌شناسانه و با اطلاع از معضلات اجتماعی و عواقب آن در زندگی، مشکلات افراد را بررسی کنند. همچنین دعانویسان و فال‌گیران از آمیختگی دو روش استفاده می‌کنند. "س" کارشناسی گرافیک ۲۴ ساله مجرد می‌گوید:

«من رفتم پیش فال‌گیر، بعد از اینکه فالم گرفت، گفت: می‌تونم برات دعا بنویسم. به نظر من

الان فال‌گیری و دعانویسی یکی شدن اینا می‌خوان این‌جوری هر دوتا کار رو انجام بدن

مشتری بیشتری داشته باشن».

پیامدها

مقوله ۸: حل مشکل

حل مشکل، از جمله پیامدهای مراجعه مصاحبه‌شوندگان به اماکن دعانویسی و فال‌گیری است. لذا براساس تجربه زیسته مراجعان این مقوله، به دو زیرمقوله تجربه مثبت و منفی مراجعه به دعانویس و تجربه مثبت و منفی مراجعه به فال‌گیر تشکیل شده است که در ذیل به آن می‌پردازیم:

افراد، پس از مراجعه به دعانویس، با دو تجربه مثبت و منفی مواجه شده‌اند؛ به عبارتی، گاهی دعانویسی نتوانسته پاسخگوی حل مشکل باشد. چنان‌که "ن" کارشناسی طراحی دوخت ۳۴ ساله متأهل می‌گوید:

«من از دعانویس نتیجه‌ای نگرفتم، مشکلم حل نشده، اگرم بوده موقت بوده».

نکته حائز اهمیت این است که اکثر زنان متأهل، تجربه منفی از دعانویسی داشتند و از موقتی و گذری بودن اثر دعاها شکایت داشتند و عمل خود را بیهوده تلقی می‌کردند، اما اکثر دختران، براساس تجربه خود، پیامد مراجعه خود را مثبت بیان کردند. "ش" کارشناسی ارشد روان‌شناسی ۳۰ ساله مجرد می‌گوید:

«من خودم اصلاً اعتقاد به دعانویس نداشتم. یه بار یه تاپ و شلوارک نو خریده بودم گم شد، بعد پیش یکی رفتم، اون آقا قشنگ می‌دونست که لباس من الان کجاست. اینو من به چشم خودم دیدم. یا تو خونه‌مون استرس و دلهره بود، رفتم دعا گرفتم سوزوندم، خوب شدم. دعانویس مشکلم رو حل می‌کرد».

صحبتهای این مراجعه‌کننده حکایت از آن دارد که مشکلاتش برطرف شده است و تجربه مثبتی از مراجعه به این اماکن دارد. از مباحث فوق، مستفاد می‌شود که زنان، در مقایسه با دختران، تجربه ناخوشایندتری از دعانویسی داشتند و می‌گفتند که پس از مراجعه طولانی به دعانویس، نتیجه مثبتی در رفع مشکلات زناشویی خود نگرفته‌اند، لذا اکنون دید مثبتی نسبت به مراجعه ندارند، هرچند که اذعان می‌داشتند که به سحر و جادو اعتقاد دارند، اما براساس تجربه خودشان، توانایی دعانویسی و جادوگری را در هر فردی نمی‌دیدند، لذا تجربه ناخوشایند، سبب عدم مراجعه دوباره آنان گردیده است، اما دختران، تجربه خوشایندتری از دعانویسی داشتند و معتقد بودند که دعانویسی، می‌تواند مشکلات آنان را رفع نماید.

بنابراین همچنان برای چاره‌جویی از مشکل خود به دعانویس مراجعه می‌کردند. البته اکثر زنان و دختران مراجعه‌کننده، بخشی از تأثیر مثبت در رفع مشکل را عامل تلقین بیان کردند و معتقدند که دعانویسان با امید و روحیه دادن و ایجاد ذهنیت مثبت نسبت به مشکل، می‌توانند در رفع آن مؤثر باشند.

همان‌گونه که "س" کارشناسی گرافیک ۲۴ ساله مجرد می‌گوید:

«یه بار فال قهوه رفتم تا قبلشم اصلاً اعتقادی به فال‌گیر نداشتم، اما الان اعتقاد دارم که اونا به قدرتی دارن. اون چیزی که حال بود رو درست گفت، بعد راجع به آینده هم چیزایی که گفت کاملاً درست بود و اتفاق افتاد».

براساس تجربه زنان و دختران، می‌توان چنین برداشت کرد که پیشگویی درست درباره وقایع آینده و گذشته افراد، موجب اعتقاد و مراجعه مکرر آنان شده است. به عبارتی، این افراد، تجربه مثبتی از مراجعه خود داشتند. همچنین پیشگویی‌های فال‌گیر و درگیر شدن ذهن مراجعه‌کننده با آن، از دیدگاه خود مراجعان می‌تواند عاملی مؤثر در پیشامد آن واقعه باشد؛ زیرا طبق تجربه زنان و دختران، فال‌گیران در هنگام پیشگویی وقایع خوشایند را بازگو می‌کنند تا به مراجعه‌کننده امید و انگیزه دهند، لذا با تلقین مثبت، تنش‌ها و اضطراب‌های زندگی روزمره آنان را کم‌رنگ می‌کنند. علاوه بر این فال‌گیران سعی می‌کنند که راهنمایی‌هایی را در جهت پیشرفت مراجعه‌کننده ارائه کنند و به‌عنوان مشاور و راهنما عمل کنند تا راهگشای زندگی زنان باشند. "ه" کارشناسی ارشد ریاضی ۳۰ ساله مجرد می‌گوید:

«خود من به‌عنوان فرد تحصیلکرده، می‌تونم بگم همون اولین باری که من فال رو تجربه کردم، اون انرژی مثبتی که بهم داد بیشتر رفتم سراغش. شاید اون انرژی مثبت رو نمی‌گرفتم، نمی‌رفتم، بعضی حرفاش باعث پیشرفتم تو کارام شد. به‌خاطر اینکه تمام حرف‌هایی که میگه، در جهت پیشرفت توئه و یه راه‌هایی بهت نشون میده».

بنابراین عملکرد فال‌گیران برای مراجعه‌کنندگان‌شان، به‌مثابه یک مشاور همدل، مفید واقع شده است. به‌طور کلی، از نظر مصاحبه‌شوندگانی که تجربه مثبتی داشته‌اند، فال‌گیری به نسبت دعانویسی، پیامدهای مثبت‌تری برای آنها داشته است.

مقوله ۹: آسیب‌های مراجعه

منظور از آسیب‌ها، پیامدهای منفی است که در نظم جاری زندگی مراجعه‌کنندگان -خواه از حیث روانی و خواه از حیث اجتماعی- اختلال ایجاد می‌کند. این قبیل آسیب‌ها با توجه به

تجربه زیسته مراجعان، به دو سطح اجتماعی و فردی تقسیم شده که در زیر، برخی از آنها تشریح می‌شود:

برخی مشارکت‌کنندگان در تحقیق، با توجه به تجربه خود اذعان داشتند که مراجعه آنان و اطرافیان‌شان در سطح اقتصادی، خانوادگی و فرهنگی موجب آسیب‌هایی شده است. "س" کارشناسی مدیریت بازرگانی ۳۴ ساله متأهل می‌گوید:

«الکی فقط پولم رو خرج کردم. هیچی دیگه نبود».

صحبتهای مراجعان، حاکی از آن است که مراجعه آنان به این اماکن، موجب اتلاف هزینه و سرمایه شده است و براساس گزارش آنان، برخی از دعانویسان و فال‌گیران، سودجو و منفعت‌طلب هستند. همچنین "ز" کارشناسی میکروبیولوژی ۲۳ ساله مجرد می‌گوید:

«یکی از دوستانم گفت که یه شخصی هست که کلاً همه چیز رو می‌گه خیلی از زندگی‌ها به خاطر حرفاش ازهم پاشیده شده».

صحبتهای مصاحبه‌شونده، حکایت از آن دارد که مراجعه به این اماکن، اثری منفی بر زندگی خانوادگی می‌گذارد. زنان گفته‌های فال‌گیر و دعانویس را می‌پذیرند و براساس آن تصمیماتی را برای زندگی واقعی خود اتخاذ می‌کنند که مشکلاتی را در سطح زندگی خانوادگی برای آنان و اطرافیان‌شان ایجاد می‌کند. علاوه بر اینها فضای حاکم بر این اماکن، در بخشی از مراجعان، نوعی ترس و ناامنی ایجاد می‌کند؛ زیرا برخی از این اماکن، مخوف هستند و احساس ناامنی از تعرض جنسی در آن وجود دارد. همان‌طور که "ش" کارشناسی ارشد روان‌شناسی ۳۰ ساله مجرد، می‌گوید:

«اینجاها خطرناکه، باید با یکی بری. خیلی از دعانویسا دیدم که به دخترا تجاوز کردن».

این سخن، حاکی از آن است که نوعی احساس ناامنی جنسی نسبت به این اماکن وجود دارد و دعانویس و فال‌گیر، به‌خاطر تجربه‌های منفی اطرافیان، قابل اعتماد نیستند. با وجود این، برخی افراد به‌دلیل وابستگی شدید به دعانویس و فال‌گیر، مکرراً به این اماکن مراجعه می‌کنند.

"ن" کارشناسی طراحی دوخت ۳۳ ساله متأهل می‌گوید:

«ببین من مشکل نداشتم، هی دوست داشتم برم، دوست داشتم یه چیزایی از اونا بشنوم».

صحبتهای برخی از مصاحبه‌شوندگان، بیانگر وابستگی شدید افراد به دعا و فال می‌باشد. آسیب‌های فردی شامل آثار روحی و روانی است که پس از مراجعه تجربه شده است. برای مثال "ن" کارشناسی طراحی دوخت ۳۳ ساله متأهل می‌گوید:

«انگار اونا هر چیزی بگن، من روالم همون جوری بشه؛ چیزی به نام اختیار از دستم رفته بود».

گفته مراجعہ کننده، حکایت از آن دارد که وی پس از مراجعہ، قدرت اختیار و ارادۀ خود را از دست داده و نمی توانسته بدون مراجعہ، دربارهٔ پیشامدهای زندگی خود تصمیم گیری کند. لذا برخی از زنان و دختران، بنابر اظهارات خودشان، پس از تجربهٔ این شیوه‌ها، احساس بی‌اختیاری و بی‌ارادگی می‌کنند. علاوه بر این، احساس حقارت، پیامد منفی دیگری است که به آن اشاره شده است. چنان که "س" کارشناسی گرافیک ۲۴ ساله مجرد می‌گوید:

«من خودمم وقتی رفتم احساس کردم خیلی ضعیفم، اگه یک بار دیگه دنبال اینا برم، یعنی خودم رو خیلی دارم کم می‌بینم و واقعیت رو نمی‌پذیرم، خودمو گول می‌زنم».

صحت‌های این مصاحبه‌شونده، حکایت از آن دارد که خودکم‌بینی و ضعف در پذیرش واقعیت و پیشامدهای زندگی، از جمله پیامدهای منفی مراجعہ به اماکن دعانویسی و فال‌گیری است.

نتیجہ گیری

با عنایت به مقولات نهایی برآمده از پژوهش، مفهوم «درماندگی و باورهای فرامادی» به‌عنوان مقولۀ هسته انتخاب شد؛ زیرا به‌واسطه آن می‌توان رفتار زنان متقاضی فال‌گیری و دعانویسی را تحلیل و تفسیر کرد. پاسخ‌های ارائه‌شده، نشان می‌دهد که پاسخگویان، هنگام درماندگی در مواجهه با مشکلات خود و به‌دلیل غلبه باورهای فرامادی، به دعانویسی و فال‌گیری روی می‌آورند. به‌طور کلی، فقدان مهارت‌های لازم برای چاره‌جویی از مشکلات زندگی، ناامیدی از کارایی روش‌های معمول، فقدان فرصت‌های دستیابی به منابع ارزشمند، نفوذ اعتقادات دینی و باورهای خانوادگی، احساس ناکارآمدی روش‌هایی که متخصصان مشاوره پیشنهاد می‌کنند، تأثیرپذیری از اطرافیان و دیگران مهم درگرایش به فال‌گیری و دعانویسی مداخله داشته است. به‌همین دلیل، مقولۀ هسته «درماندگی و باورهای فرامادی» به‌عنوان مفهوم اصلی توضیح‌دهندهٔ این پدیده، پیشنهاد شد. هنگامی که شرایط لازم برای پاسخگویی به تمایلات روان‌شناختی زنان وجود نداشته باشد، باورهای فرامادی به آنان یاری می‌رساند؛ زیرا در زمان درماندگی و حوادث دشوار و توجیه‌ناپذیر، این جهان‌بینی قادر است شرایط جاری زندگی را معنادار می‌سازد و به آنان امید و اطمینان خاطر ببخشد. باورهای فرامادی ناظر به اعتقاد به نیروهای فرامادی با معیارهای علم تجربی قابل بررسی نیستند. دعانویسی و فال‌گیری، با توسل به این نیروهای

ماورایی که مراجعه‌کنندگان به آنها باوردارند، زندگی زنان را معنادار می‌کند و آنها را به رفع مشکلات‌شان امیدوار می‌سازد. در کنار این عوامل، فضای رمزآلود تعامل بین مراجعه‌کننده و فرد مقابل او بر جذابیت این رابطه می‌افزاید.

با آنکه تجربه مراجعان از نظر حل مشکلات فردی‌شان متفاوت است و برخی از افراد، نه تنها هیچ نتیجه‌ای نگرفته‌اند، بلکه حتی مشکلات جدیدی هم برای‌شان ایجاد شده است، اما نکته جالب، این است که این تجربه منفی، باعث نشده که آنها به‌طور کلی از دعانویسی و فال‌گیری منصرف شوند. آنان ناتوانی دعانویس و فال‌گیر را به ماهیت پدیده فال‌گیری و دعانویسی تعمیم نمی‌دهند و این امر، معرف دیگری برای رسوخ باورهای فرامادی در بین مصاحبه‌شوندگان است.

این امر، با دیدگاه‌های جدید جامعه‌شناسان دین؛ همچون پیتر برگر^۱ مبنی بر اینکه «مدرن شدن و پیشرفت علم، ملازم از بین رفتن باورهای دینی نیست»، سازگار است. به اعتقاد او ساختار روانی انسان، به‌گونه‌ای است که در مواجهه با مشکلات و شوربختی‌هایش به آرامش و اطمینانی نیاز دارد که علم نمی‌تواند آن را به او اعطا کند (برگر، ۱۳۸۵). در نتیجه، همان‌طور که اطلاعات این تحقیق نشان داد، ممکن است زنان تحصیلکرده هم با آنکه در تحصیلات دانشگاهی خود با جهان‌بینی علمی آشنا شده‌اند و با روش‌های علمی حل مشکلات جسمی و روحی آشنا هستند، اما باز هم گاهی به دعانویس و فال‌گیر متوسل شوند.

اطلاعات برآمده از این پژوهش، از چند واقعیت مهم حداقل در سطح نمونه تحقیق پرده بر می‌دارد؛ نکته اول اینکه هیچ رفتاری به‌طور تصادفی شکل نمی‌گیرد. واکنش به بحران‌ها و تنگناهای زندگی، تحت تأثیر شرایطی است که کنشگران انسانی در آن به‌سر می‌برند. در صورتی که نهادهای جامعه، از کفایت لازم برای رفع مشکلات مردم و حمایت از آنها برخوردار نباشند، این احتمال که افراد از طریق سازوکارهای شخصی (استفاده از روش‌های غیرمعارف) به مقابله با آنها بپردازند، افزایش می‌یابد.

نکته دیگر این است که تحصیلات دانشگاهی، به‌تنهایی نمی‌تواند مشی زندگی زنان را تغییر دهد و انتخاب‌های آنان را به‌سوی یک چارچوب عقلانی محض هدایت کند. زنان تا زمانی که در حالت استیصال قرار داشته باشند و از دستیابی به منابع و فرصت‌های ارزشمند (ثروت، قدرت، معرفت و منزلت) محروم باشند، این احتمال وجود دارد که در شرایط بحرانی و در تنگناهای

1 Peter Berger

زندگی، به حداقل فرصت‌های موجود - که گاه ممکن است غیرمنطقی و نامتعارف هم باشد - روی آورند.

انتظار می‌رود گسترش عدالت جنسیتی به تدریج ضریب این قبیل انتخاب‌ها را کاهش دهد. درکنار آن، زنان نیز برای مدیریت بر چالش‌های پیش رو، به‌طور پیوسته نیازمند توانمندساختن خود در ابعاد مختلف شخصیتی، آموزشی، مهارتی، اقتصادی، جنسی و بهداشتی هستند تا به تدریج، قادر شوند خود را از جایگاه فرودستی خارج سازند و سرنوشت خویش را به‌دست گیرند. نکته سوم، به دیرپا بودن سنت‌ها اشاره دارد. شیوه‌های سنتی انجام امور (حتی اگر چندان عقلانی و منطقی هم نباشند و حتی اگر جامعه در مسیر توسعه و تجدد، آنان را به حاشیه رانده باشد)، باز هم به‌طور کامل منقرض نمی‌شوند. گاهی حتی افراد تحصیلکرده از طریق به‌کارگیری این روش‌ها ناخواسته و یا به‌طور غیرمستقیم به بازتولیدشان کمک می‌کنند. این به آن دلیل است که انسان برای قابل تحمل ساختن امور مختلف، نیازمند یک منبع معنابخش است و در این فرایند، از سازوکارهای سنتی مدد می‌جوید. تامپسون معتقد است سنت‌ها به‌معنای مجموعه‌ای از فرضیات مسلم و بدیهی انگاشته‌شده، چارچوبی را برای درک جهان و تنظیم نسبت انسان با آن و یک راهنمای هنجاری برای اقدام فراهم می‌آورد و به این دلیل، کارکرد خود را از دست نمی‌دهند (تامپسون، ۱۳۷۹: ۲۶۰).

و نکته آخر اینکه همان‌طور که در بخش نظری اشاره شد، از دو دیدگاه عقل‌گرا و عاطفه‌گرا دربارهٔ باورها و مناسک فرامادی، دیدگاه عقل‌گرای افرادی مثل آگوست کنت، تایلور و فریزر که قائل به افول مناسک و باورهای فرامادی و جادویی با پیشرفت علم بودند، دیدگاه مناسب و معتبری برای توضیح پدیده رجوع زنان تحصیلکرده به دعانویس و فال‌گیر نیست. دیدگاه رقیب (یعنی دیدگاه عاطفه‌گرای افرادی مثل مالینوفسکی، ماکس وبر و پیتربرگر - که باورها و مناسک فرامادی را روشی برای رسیدن به آرامش روانی در مواجهه با مشکلات و شوربختی‌ها می‌دانند)، برای تبیین این پدیده کارآمدتر است؛ زیرا این تجربه‌های آزاردهنده، با توسعهٔ معرفت علمی از بین نمی‌روند و بشر امروز هم در موقعیت‌های پرمخاطرهٔ جامعهٔ جدید هم با این تجربه‌ها دست‌به‌گریبان است و جویای راه‌هایی برای کسب آرامش است.

منابع

- استرواس، آنسلم؛ کربین، جولیت (۱۳۹۴) مبانی پژوهش کیفی (فنون و مراحل تولید نظریه زمینه ای) (ترجمه)، تهران: نشرنی.
- امیرخانی، طاهره (۱۳۸۶) دعانویسی و جادو (مطالعه موردی دعانویسی در شهر کرمانشاه) پایان‌نامه کارشناسی رشته علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی، گروه جامعه‌شناسی.
- برگر، پیتر (۱۳۸۵) برخلاف جریان، در سیدحسین سراج زاده، چالش‌های دین و مدرنیته، تهران: طرح نو.
- بیتس دانیل، پلاک فرد (۱۳۸۲) انسان‌شناسی فرهنگی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- تامپسون جان بروکشایر (۱۳۷۹) رسانه‌ها و نوگرایی: نظریه‌ای اجتماعی درباره رسانه‌ها، علی ایثاری کسمایی، تهران: انتشارات ایران.
- جواهری، فاطمه (۱۳۸۱) مطالعه جامعه‌شناختی پدیده دعانویسی در ایران، پایان‌نامه دکتری رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، گروه جامعه‌شناسی.
- جهانشاهی افشار، علی؛ شمس‌الدینی مطلق، محمدحسن (۱۳۹۳) ریشه‌های خرافات و کارکرد آنها در فرهنگ مردم: مورد مطالعه باورهای مردم کرمان، فرهنگ و ادبیات عامه، سال ۲، شماره ۳: ۷۷ - ۴۹.
- سوری، نرگس (۱۳۹۳) کارکردهای مراکز دعانویسی، پایان‌نامه کارشناسی، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی، گروه جامعه‌شناسی.
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۸۶) مقالات فال، فرهنگ و فراغت، فصلنامه رشد آموزش علوم اجتماعی، سال دهم، شماره ۳۵: ۱۲ - ۲۳.
- فروغی، علی؛ عسگری مقدم، رضا (۱۳۸۸) بررسی میزان گرایش به خرافات در بین شهروندان تهرانی، فصلنامه راهبرد، سال هجدهم، شماره ۵۳: ۱۶۱ - ۱۹۱.
- قادرزاده، امید؛ غلامی، فاطمه (۱۳۹۳) تحلیل تجربه‌های زنان سنندجی از فال‌گیری (مطالعه کیفی دلایل و پیامدهای فال‌گیری)، جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و ششم، شماره پیاپی (۵۸)، شماره ۲: ۱۰۷ - ۱۲۴.
- غلامی، گوزلبلاغ احمد؛ الیاسی، فاضل (۱۳۹۴) تفسیر معناگرایی شیوه‌های درمان‌گری عامیانه: بررسی دریافت مردم ساکن در مناطق جنوب آذربایجان غربی از درمان‌گری عامیانه، نامه انسان‌شناسی، دوره ۱۳، شماره ۲۲: ۱۴۸ - ۱۲۱.

- محمدپور، احمد (۱۳۹۰) روش تحقیق کیفی ضد روش جلد (۱) ، چاپ اول، تهران؛ انتشارات جامعه شناسان.
- موریس، برایان (۱۳۸۳) مطالعات مردم شناختی دین (ترجمه سیدحسین شرف الدین؛ محمد فولادی) ، چاپ اول، قم؛ انتشارات زلال کوثر.
- همیلتون، ملکم (۱۳۹۲) جامعه‌شناسی دین (ترجمه محسن ثلاثی) ، چاپ چهارم، تهران؛ انتشارات ثالث.
- یاهک، سجاده؛ کشاورز دیزجین، سارا (۱۳۸۹) خرافه گرایی: بررسی میزان گرایش مردم به دعانویسی و سحر و جادو و تأثیر آن در اخلاقیات زیست‌جهان مردم (مطالعه موردی شهر تهران) ، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سال اول، شماره ۶.
- Charmaz, Kathy (1996) *The Search for Meanings – Grounded Theory, Rethinking Methods in Psychology*, London: Sage.
- Jonghyun, Lee (2009) “Shamanism and Its Emancipatory Power for Korean Women”, *Journal of Women and Social Work*, 24 (2) : 186 – 198.
- Zainal, Ainun (2013) “A Case Study on Pahang – Malaysia: A Scrutinize of Sociological Impacts of Superstition in the Life Manner of Malaysian People”, *Journal UMP Social Sciences and Technology Management*, 1 (1) : 42 – 50.